

ارزشیابی کار زنان روستایی در کشورهای در حال توسعه

دکتر حسین آگهی*، دکتر غلامرضا پزشکی راد**

چکیده

زنان روستایی در بیشتر کشورهای توسعه یافته و یا در حال توسعه بخش عمده‌ای از فعالیتهای تولیدی و اقتصادی خانوار کشاورز را به عهده دارند. در حالی که نقش واقعی آنان در آمارهای تولیدات کشاورزی در جهان یا نادیده گرفته شده و یا خیلی ناچیز گزارش می‌شود. از سال ۱۹۷۵ میلادی این موضوع در دستور کار سازمان ملل متحد قرار گرفته و بر لزوم بهبود ابزار جمع‌آوری اطلاعات و ارزیابی صحیح و تعیین شاخصهای مناسب برای اندازه‌گیری کار زنان در تولیدات کشاورزی تأکید شده است. مطالعات موردی متعددی نشان می‌دهد که زنان روستایی ساعات کاری بیشتری را به نسبت به مردان دارند و از نظر فرایند توسعه و ایجاد

* استادیار دانشکده کشاورزی دانشگاه رازی کرمانشاه
** استادیار دانشکده کشاورزی دانشگاه تربیت مدرس

ثروت در جهان سهم مهمی را نیز دارا می‌باشند.

در این نوشتار تلاش بر آن است تا، با تحلیل مفاهیم، معیارها و روشهای ارزشیابی، نقش واقعی زنان روستایی در تولیدات کشاورزی معین گردد و شیوه‌های مناسب برای ارائه آمارهای درست از نقش زنان در تولید ناخالص ملی GNP^۱ پیشنهاد شود در این راستا با ارائه متوسط درصد سهم زنان روستایی در مراحل مختلف تولید در ایران و سایر نقاط جهان می‌توان به این نتیجه رسید که زنان در خور توجهی را از کار کشاورزی به عهده دارند ولی درآمد آنان حدود ۱/۴ درآمد مردان است که در آمارهای تولید ناخالص ملی کشورها محاسبه نمی‌شود. در پایان این نوشتار نیز پیشنهادهایی برای بهبود ارزیابی کار زنان روستایی ارائه شده است.

مقدمه

ارزش کار زنان روستایی چه در کشورهای توسعه یافته و چه در حال توسعه همواره از بعد تاریخی مورد غفلت قرار گرفته است. در این راستا فعالیتهایی که از سوی زنان روستایی در کشاورزی معیشتی، بازارهای کار محلی و مزارع و همچنین در خانه‌داری انجام می‌گیرد، در اندازه‌گیری فعالیتهای اقتصادی کشورها نادیده گرفته می‌شود. این گرایش همانگونه که راجرز (۲۵) ابراز کرده است بخصوص در ارزشیابی کار زنان روستایی، در جایی که محدوده میان فعالیتهای «اقتصادی» و «غیراقتصادی» از جنبه آماری به صورتی قراردادی تعیین می‌شوند، مشاهده می‌شود. به طور کلی اطلاعات آماری و جمعیتی، زنان روستایی را در طبقه‌ای غیر شفاف و به عنوان «کار افراد خانوار» بدون دستمزد قرار داده است و در نتیجه میزان مشارکت آنها در کار کشاورزی و همچنین فعالیتهای تولیدی دیگری چون صنایع دستی، قالیبافی، گلیم‌بافی، دامداری و موارد دیگر بسیار ناچیز شمرده می‌شود.

به هرحال مطالعات اتنوگرافی متعددی نشان می‌دهد که زنان روستایی مولدانی فعال بوده و در فرایند توسعه و ایجاد ثروت در جهان سهم مهمی دارند. بخصوص زنان روستایی کشورهای

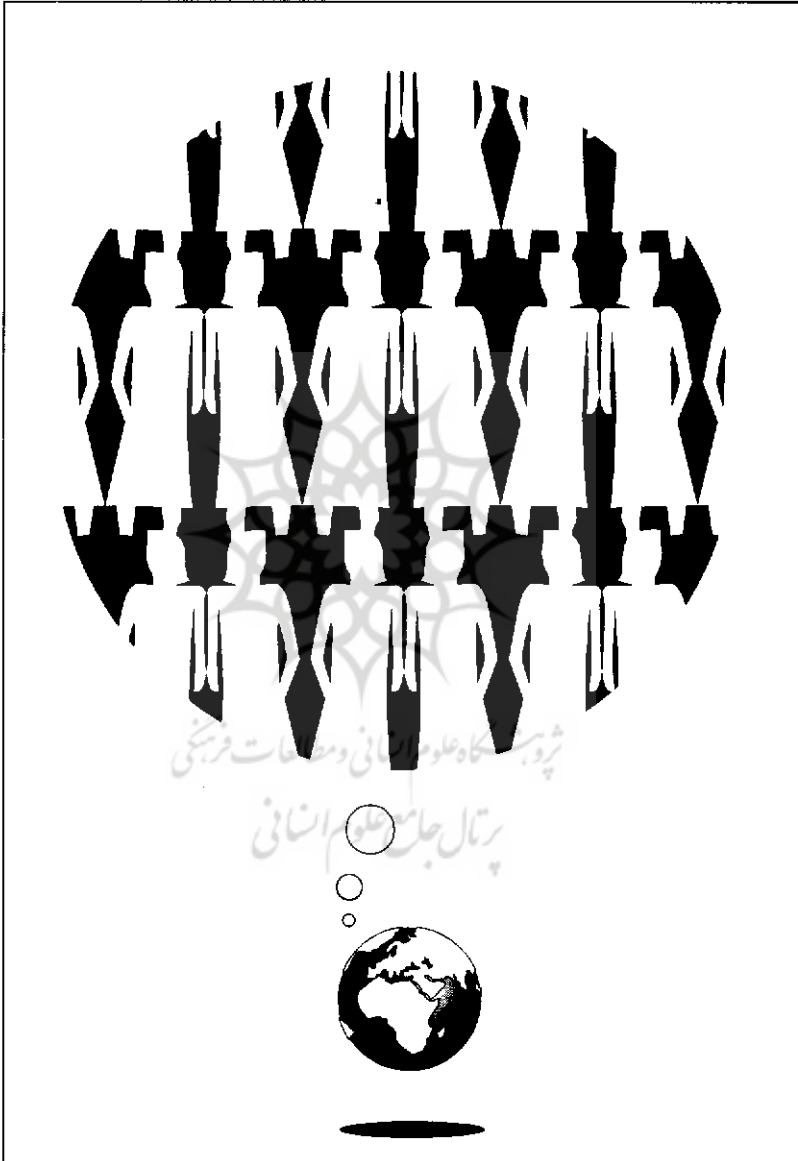
1. GNP = Gross National Product

ارزشیابی کار زنان ...

در حال توسعه که در پایداری نظام اقتصادی روستایی نقش اساسی را ایفا می‌کنند. با توجه به این دیدگاه، بیشتر صاحب‌نظران ادعا می‌کنند که در بخش کشاورزی نیازی اساسی برای ارزیابی دوباره کار زنان روستایی احساس می‌شود، تا از راه آن بتوان نسبت به ارزشیابی و بازتاب دقیقتر مشارکت زنان در توسعه روستایی اقدام کرد. بدین منظور، ارزیابی دوباره و تجدید نظر در مفاهیم، روشها و عملیاتی که در جمع‌آوری اطلاعات و آمارهایی که به مشاغل کشاورزی مربوط می‌شود، امری حیاتی به نظر می‌رسد. این اطلاعات می‌تواند اساس و پایه‌ای محکم را برای سیاستگذاری در بخش کشاورزی، تحقیقات کشاورزی و برنامه‌های ترویجی آینده فراهم کند. افزون بر این زنان روستایی می‌توانند نقش واقعی خود را در فرایند توسعه کشاورزی و روستایی شناخته و نسبت به بهبود وضع خود اقدام کنند.

اهمیت موضوع

از سال ۱۹۷۵ میلادی (تاریخ تشکیل کنفرانس جهانی سازمان ملل متحد که به دهه زنان اطلاق شد)، موضوع نیاز به بهبود ابزار جمع‌آوری اطلاعات و ارزیابی مشارکت زنان در امور اقتصادی، در صحنه بین‌المللی همواره مورد توجه خاص بوده است. در این زمینه انستیتو همفری (۱۴) اعلام می‌کند که «باید اطلاعات علمی و درخور اطمینانی جمع‌آوری شود و معیارهای مناسبی نیز تعیین شود، که بتواند شرایط خاص و نیازهای زنان را به عنوان بخش عمده آمارهای ملی و بین‌المللی نشان دهد». کنفرانس سال ۱۹۸۰ نیز که در شهر کینهاگ کشور دانمارک برگزار شد؛ در میان پیشنهادهای خود موضوع تجدیدنظر در آمارهای موجود را به سبب دوری از هر گونه تعصب و تمایل در ارائه آمارها با توجه به جنسیت اعلام کرد و در این زمینه، بویژه بخش زنان روستایی در اولویت قرار گرفتند. همچنین در کنفرانس یاد شده تأکید می‌شود که به جمع‌آوری آمارهایی نیاز است که بتواند میزان مشارکت زنان روستایی را بر پایه‌ای مناسب در مقایسه با کارمردان اندازه‌گیری کند.



کنفرانس بعدی که در سال ۱۹۸۵ در نایروبی برگزار شد؛ بر اهمیت ارزشیابی کار قابل اندازه‌گیری و بخصوص کارهای غیرقابل اندازه‌گیری زنان در تمامی جنبه‌های توسعه روستایی تأکید کرد. برخی از این کارها، فعالیت‌های کشاورزی، تولید مواد غذایی و فعالیت‌های خانه‌داری و پرورش کودکان را در بر می‌گیرد. در این کنفرانس همچنین پیشنهاد شد که میزان مشارکت زنان باید در آمارهای موجود در سطح ملی و آمارهای اقتصادی و درآمد ناخالص ملی^۱ (GNP) بازتاب یابد. (۱۷)

این کار تنها به منظور دقت در آمارهای موجود نبوده، بلکه آغازی برای نشان دادن جایگاه اجتماعی زنان در جامعه و یافتن راه‌حل برای رفع مشکلات آنهاست. سیاست‌گذاران دولتی، برنامه‌های ترویج روستایی، تحقیقات کشاورزی و برنامه‌های تنظیم خانواده به طور معمول بر پایه آمارهای موجود طراحی می‌شوند. در نتیجه اندازه‌گیری کار زنان در راستای طراحی و اجرای برنامه‌های مناسب در سطوح ملی و محلی، امری بنیادین به نظر می‌رسد. ابهام موجود در درآمد ناخالص ملی تصادفی نیست. بر همین اساس معیارهای کنونی که دربرگیرنده درآمد ناخالص ملی و درآمد ناخالص محلی^۲ (GDP) است بر شفافیت کار زنان تأثیر می‌گذارند. اعتبار چنین واژه‌هایی برای سنجش فعالیت‌های اقتصادی در کشورهای در حال توسعه مورد تردید است. این واژه‌ها، تنها فعالیت‌هایی را اقتصادی می‌دانند که محصول تولید شده دربرگیرنده قیمت‌گذاری بوده و یا دست کم داری شرایط برای ارائه رسمی باشند و در نتیجه ارزش کار کشاورزی معیشتی و فروش محصولات در مقیاس کم در بازارهای محلی و همچنین فعالیت‌های اقتصادی صورت گرفته در خانوار که بیشتر از سوی زنان انجام می‌شود را نادیده می‌گیرند. در نتیجه، مشارکت اقتصادی زنان در این دو معیار، اقتصاد ملی به شمار نمی‌آید. بدین ترتیب اقتصاد بیشتر کشورها، کم‌ارزشتر از آنچه واقعیت دارد نشان می‌دهد، زیرا که بخشی از کارهای تولیدی را که نقش بسیار مهمی در توسعه اقتصادی و توسعه روستایی دارند در

1. G.N.P = Gross National product

2. G.D.P = Gross Domestic Product

بر نمی‌گیرد. (۵، ۷، ۲۲)

نداشتن شناخت از اهمیت کار زنان در کشاورزی که عوامل کلیدی در فرایند توسعه به شمار می‌آیند، به طور کلی تأثیری جدی بر شرایط زندگی و توسعه آنها خواهد گذاشت. برای نمونه توسعه روشهای کشاورزی مناسب با فعالیتهای زنان، تأثیر مثبت در شرایط کار، بهبود کارایی و افزایش عملکرد را در پی خواهد داشت. از سوی دیگر رسیدن به هدفهایی چون افزایش محصولات غذایی، مبارزه با فقر، کنترل جمعیت و رعایت مسائل بهداشتی، بدون مشارکت زنان روستایی دسترس ناپذیرند. (۱۸)

نمونه دیگر دخالت ندادن زنان در مشارکت برای انتقال نوآوریها در روشهای کشت است که سبب کندی تولید محصولات غذایی شده، و در بیشتر موارد دلیل عمده شکست طرحهای توسعه روستایی بوده است. (۲۲)

هدف از انجام این مطالعه ارزشیابی کار زنان روستایی در تولیدات کشاورزی، بویژه در کشورهای در حال توسعه است. برای ادامه بحث در این زمینه دو هدف عمده پیگیری می‌شود:

۱. بررسی فرضیات، مفاهیم و معیارهایی که به طور معمول در آمارهای متعارف برای اندازه‌گیری مشارکت زنان در فعالیتهای کشاورزی در نظر گرفته می‌شوند.

۲. ارائه روشی نوین برای جمع‌آوری اطلاعات به منظور بهبود ارزیابی مشارکت زنان در تولیدات کشاورزی.

بررسی دیدگاه نظری کار زنان

به طور کلی کم ارزش برشمردن مشارکت زنان در توسعه اقتصادی و بویژه در تولیدات کشاورزی در آمارهای جمعیتی و دیگر محاسبات ملی می‌تواند درارتسباط با نوع معیارها و روشهایی باشد که برای اندازه‌گیری فعالیتهای اقتصادی جامعه به کار گرفته می‌شود. انتخاب معیارهای معین برای تعیین وضعیت اقتصادی - اجتماعی یک کشور و یا یک منطقه و شیوه تعریف چنین معیارهایی، ارتباط مستقیم با چارچوب نظری، تعصبات فرهنگی و فرضیات

ارزشیابی کار زنان ...

ایدئولوژیکی دارد. بیشتر اطلاعات کنونی درباره مشارکت زنان در فعالیتهای اقتصادی از مفهومی از «کار» تأثیر گرفته که به گفته مایز (۲۱) برگرفته از مکتب سرمایه‌داری است که به طور معمول به کار تولیدی که انجام گرفته از سوی مردان اطلاق می‌شود، اگر چه مفاهیم دیگری از کار وجود دارد که به توصیف متفاوتی از مشارکت زنان در امور اقتصادی و توسعه اجتماعی می‌پردازد.

بنابراین بخش نخست این مطالعه به بررسی مفاهیم کار می‌پردازد و تأکید خاصی بر کاربرد تفسیرهای مورد نظر در تعیین مشخصات کار زنان دارد. در ادامه این نوشتار نیز تلاش شده است تا به مطالعه دو مفهوم کار کشاورزی و فعالیتهای خانه‌داری پرداخته شود، زیرا که ارزیابی این دو واژه اهمیت اساسی در اندازه‌گیری مشارکت زنان در کارهای تولیدی در کشورهای در حال توسعه دارد.

مفهوم کار

مفهوم کار از دیدگاهی گسترده عبارت است از: تمامی فعالیتهایی که افراد برای گذران زندگی خود انجام می‌دهند. اگرچه با تغییر ماهیت جوامع از حالت معیشتی به اقتصاد بازار، مفهوم کار به قدری محدود شده است که امروزه در بیشتر نقاط جهان، تنها به فعالیتهایی اطلاق می‌شود که در برابر آن درآمد نقدی به دست می‌آید. (۱۷).

در جوامع بدوی فرایند تولید و مصرف به طور معمول (این رابطه هنوز در برخی از نواحی جهان وجود دارد) یکجا انجام می‌پذیرد. بنابراین تولید و فراهم سازی غذا و تبدیل کردن محصولات، در واحد خانواده انجام می‌گرفت. با افزایش جمعیت و کمبود زمین، افراد برای زندگی بهتر مجبور به کار در بیرون از واحد تولیدی خانواده شدند. استخدام در واحدهای تولیدی خصوصی و دولتی جایگزین کار روی زمین شد. جدا شدن کارهایی که در منزل انجام می‌گرفت از فعالیتهایی که در بازار کار برای دریافت حقوق صورت پذیرفت منجر به تغییر در مفهوم کار شد. این تغییرات بیشتر در سده‌های ۱۸ و ۱۹ میلادی در جوامعی که انقلاب صنعتی و کشاورزی

روی داد؛ پدید آمد. مفهوم نخستین کار که عبارت از تمام فعالیتهای فرد برای گذران زندگی بود، به تدریج تبدیل به مفهوم استخدام در برابر دریافت مزد شد. (۱۷)

شناسایی کار به عنوان استخدام در برابر دریافت مزد و یا فعالیت در بازار کار در سطوح بین‌المللی، به عنوان چارچوب نظری نظام متعارف جمع‌آوری اطلاعات شناخته شده است. در نتیجه اطلاعات آماری موجود درباره کار در حال حاضر نمایانگر چنین مفهومی است. این رهیافت، بخصوص بر جمعیت زنان کشورهای در حال توسعه تأثیر گذاشته، بدین لحاظ که کار آنها در بیشتر مواقع به تولید کالا منجر نشده و اساساً در ارتباط با حیطه تولید خانوادگی و معیشتی است. بنابراین تجزیه و تحلیلهایی که بخصوص بر پایه آمارهای موجود انجام می‌گیرد، بی‌گمان دیدگاهی غیرشفاف از مشارکت زنان در فعالیتهای اقتصادی دارد. (۱۵ و ۱۹)

فعالتهای خانه‌داری

این واقعیت که فعالتهایی همچون فراهم کردن غذا، مراقبت از کودکان، شستن لباسها و نظافت منزل به وسیله زنان انجام می‌شود بر کسی پوشیده نیست. این کارها که از سوی زنان به صورت رایگان و بدون دریافت مزد انجام می‌گیرد به اقتصاد خانواده کمک می‌کند. (۳۱)

به نظر می‌رسد قرار دادن چنین فعالتهایی در رده کارهای مولد برای ارزشیابی کار زنان عادلانه باشد چه آنکه برآورد واقعی نیروی فعال کار جامعه با در نظر گرفتن کارهای خانه‌داری زنان بیشتر به واقعیت نزدیک خواهد بود و این فرصتی را به دست خواهد داد تا بتوانیم در محاسبات خود سهم مشارکت زنان را در کار خانه‌داری و کار در مزرعه مشخص کنیم.

کار کشاورزی

مشکل شناخت مناسب از کار زنان ریشه در دست‌کم گرفتن مشارکت آنها در تولیدات کشاورزی دارد؛ در نتیجه فرایند بازدهی کار زنان در اطلاعات آماری به دقت بازتاب نمی‌یابد. بر همین اساس تعریف محدودی که از کار کشاورزی در نوشته‌ها وجود دارد، بیشتر فعالتهای

ارزشیابی کار زنان ...

تولیدی زنان را در برنمی‌گیرد. فعالیتهایی همچون کار در مزرعه خانوادگی، پیگیری کارها و فراهم سازی و تبدیل کردن مواد غذایی، به طور معمول از سوی زنان روستایی انجام می‌پذیرد. با توجه به این دیدگاه برخی از مولفین طرفدار گسترش تعریف کار کشاورزی براین باورند که کار کشاورزی باید در برگیرنده چنین فعالیتهایی نیز باشد. چنین فعالیتهایی، به رغم اینکه به طور مستقیم در تولید محصولات کشاورزی برای بازار دخالت ندارند، ولی سهم عمده‌ای در کار کشاورزی دارند. برای نمونه با فراهم سازی و تبدیل کردن مواد غذایی برای مصرف خانوار، هزینه خرید مواد غذایی کاهش می‌یابد. چنین صرفه‌جویی در خرید مواد غذایی می‌تواند کمکی به اقتصاد خانوار برای بازپرداخت وام و یا خرید تجهیزات کشاورزی باشد. بنابراین اقتصاد مزرعه و کار خانوار می‌تواند به عنوان یک واحد اقتصادی در نظر گرفته شود و در نتیجه کار زنان روستایی در منزل و در تولید معیشتی به معنای کشت محصولات غذایی برای مصرف خانوار کشاورزی نیز باید به عنوان کار مولد به شمار آید. با توجه به تجزیه و تحلیل مطالب پیشگفته در زمینه کار کشاورزی، توسعه مفهوم کار کشاورزی تا از راه آن بتوان مشارکت اقتصادی زنان را در تولیدات کشاورزی مشخص کرد، امری ضروری به نظر می‌رسد. بنابراین هر گونه فعالیتی که در اداره مزرعه کشاورزی و تولیدات کشاورزی انجام می‌گیرد باید به عنوان کار مولد در اطلاعات آماری در نظر گرفته شود. کارهایی همچون مواظبت از کودکان، شستن لباس، تهیه غذا، نظافت منزل، فراهم ساختن و حمل کردن سوخت (هیزم)، آوردن آب و دیگر موارد، که به عنوان کارهای خانه‌داری برشمرده می‌شوند و همچنین مشارکت مستقیم زنان در تولیدات کشاورزی، همچون بذرپاشی، وجین، درو، انبار کردن، حمل و نقل، فروش محصول در بازار و سرانجام خرمنکوبی و نگهداری محصول باید به عنوان کار مولد به شمار آیند، زیرا که در راستای تولیدات کشاورزی سهمین اند.

مهمترین منابع اطلاعاتی کار کشاورزی، آمارهای ملی جمعیت و آمارهای کشاورزی برشمرده می‌شوند. شیوه جمع‌آوری چنین اطلاعاتی بدون هیچگونه بازننگری یا به کارگیری بررسیهای انجام شده در سازمانهای اقتصادی و اجتماعی کشورهای پیشرفته صنعتی و به عنوان

یک مدل ارزشیابی نیروی کار مورد استفاده قرار می‌گیرد (۲۴).

در نتیجه روشیابی از تولید که در اقتصاد سرمایه‌داری جایگاهی ندارند، مانند صنایع دستی، خانه‌داری و تولید معیشتی به طور کامل در محاسبات آماری ارزشیابی نمی‌شوند (۲).

مفاهیم و روشهای سنجش نیروی فعال بخش کشاورزی

جمعیت فعال اقتصادی: این مفهوم در سطح بین‌المللی برای شمارش تعداد کارکنان شاغل در فعالیتهای اقتصادی کشورها توصیه شده است. براساس تعریف سازمان ملل، افراد فعال اقتصادی اشخاصی از هر جنسیت به شمار می‌آیند که در فراهم کردن نیروی کار برای تولید کالاهای اقتصادی و یا خدمات در زمان مشخص جمع‌آوری اطلاعات مشغول به کارند (۴).

در این روش کارهای کشاورزی همچون شخم، بذرپاشی و برداشت که جنبه اقتصادی و فروش در بازار را داشته باشد و همچنین آماده کردن محصول برای فروش، فعالیت دامداریهای بزرگ، تعمیر ماشین‌افزارها و تجهیزات مزرعه، به عنوان فعالیت اقتصادی به شمار می‌آیند. ولی فعالیتهایی همچون خانه‌داری به عنوان فعالیت غیراقتصادی برشمرده می‌شود (۱۰، ۲۴، ۲۷).

در نتیجه اگر زنان به فعالیتهایی که به پرداخت مزد منجر نشود اشتغال داشته باشند، مانند کار بدون دستمزد برای فامیل، و یا کار در مزرعه برای سود بیشتر، به احتمال در طبقه غیرفعال اقتصادی قرار می‌گیرند.

طبقه‌بندی کار زنان روستایی به عنوان افراد فعال و یا غیرفعال اقتصادی بستگی به محدوده تعریف میان مشاغل اقتصادی و غیراقتصادی دارد. بررسی این موضوع بخصوص در مزارع معیشتی بسیار مشکل است زیرا که جداسازی تولید برای مصارف خانگی از تولید برای فروش و یا معاملات پایاپای در بازارهای محلی، بسیار پیچیده است (۱، ۴، ۱۱).

خانوار و سرپرست خانوار

یکی از شیوه‌های پژوهش که در جمع‌آوری آمارهای جمعیتی به کار می‌رود این است که

ارزشیابی کار زنان ...

خانوار را به عنوان یک واحد اطلاعات به شمار می آورد. واژه خانوار به افرادی اطلاق می شود که با یکدیگر و در یک واحد مسکونی زندگی می کنند (۲۶، ۳۲). روش متداول جمع آوری اطلاعات، زنان و کودکان را در نظر نمی گیرد؛ زیرا اطلاعات از سرپرست خانوار که مرد است به دست می آید، در نتیجه مشارکت فعال زنان در تولید در نظر گرفته نمی شود.

مزرعه و سرپرست مزرعه

مفهوم مزرعه و سرپرست مزرعه که در سال ۱۹۷۱ از سوی سازمان خواروبار و کشاورزی جهانی «فائو» ارائه شد به گونه ای تعریف شده است که کار زنان روستایی را غیر شفاف نشان می دهد. بر پایه این تعریف، مزرعه در برگزیده زمینی است که تمام یا بخشی از آن برای تولید محصولات کشاورزی به کار می رود و به وسیله یک نفر (سرپرست مزرعه) به تنهایی و یا با کمک دیگران بدون در نظر گرفتن اندازه مزرعه و یا موقعیت جغرافیایی آن اداره می شود. بیشتر آمارهای مربوط به بخش کشاورزی، مزارع کوچک را که بیشتر به کمک زنان اداره می شوند جزء آمارها به شمار نمی آورند و در نتیجه کار فقیرترین بخش جامعه کشاورزی مورد توجه قرار نمی گیرد. بیشتر این مزارع کوچک به وسیله زنان اداره می شوند، در حالی که مردان برای به دست آوردن درآمد فراوانتر به کارگری در مناطق شهری مشغول اند (۳۲).

آمارگران جمعیتی تنها تعداد افراد مشغول به کار در مزرعه را یادداشت می کنند، در حالی که آمارگران کشاورزی مشخصات دقیقتری از مفهوم نیروی کار و یا جمعیت فعال اقتصادی را دست کم در شش بُعد مورد نظر قرار می دهند که این موارد چنین است: تولید معیشتی و کارگران بدون دستمزد فامیل به عنوان فعالیت اقتصادی به شمار می آیند، حداقل ساعات کار در مزرعه در نظر گرفته نمی شود، تمام کارهای کشاورزی اعم از آماده کردن زمین، بذرپاشی و دیگر موارد ثبت می شوند، کار جمع آوری اطلاعات در فصل زراعی انجام می شود و تعریف کار کشاورزی، مزرعه خانوادگی، پرورش طیور و حمل و نقل محصول به بازار را نیز در بر می گیرد.

کاربرد چنین معیارهایی در جمع آوری اطلاعات به احتمال در برگیرنده تعداد کارگران

بیشتری است. بخصوص اینکه کار زنان در آمارگیری کشاورزی در نظر گرفته می‌شود.

مفهوم سرپرست مزرعه شبیه همان سرپرست خانوار است. تعریف سرپرست مزرعه چنین است: فردی که کنترل عملیات مزرعه و مسئولیت به کارگیری درست منابع در دسترس را به عهده دارد. هنگامی که زن و شوهر مسئول اداره مزرعه هستند، به طور معمول مرد به عنوان سرپرست مزرعه به شمار می‌آید (۳۲).

با به کارگیری مفهوم مزرعه و سرپرست مزرعه و تعریف دقیق از کار کشاورزی، میزان مشارکت زنان در تولیدات کشاورزی در آمارگیری کشاورزی به گونه مناسبتری نسبت به آمارگیری جمعیتی در نظر گرفته می‌شود. موارد دیگری که در محاسبه میزان کار زنان در کشاورزی مؤثر به شمار می‌آیند عبارت است از: زمان جمع‌آوری اطلاعات، تعداد ساعتهای کاری و کم نشان دادن سهم زنان در تولیدات کشاورزی از سوی سرپرست خانوار که در تکمیل پرسشنامه آماری پاسخگو است. به طور معمول زمان جمع‌آوری اطلاعات برای اندازه‌گیری کار زنانی که به حالت نیمه وقت در مزرعه کار می‌کنند و از سویی کار کشاورزی نیز، به صورت فصلی انجام می‌گیرد، مناسب نیست و میزان کار مردان را بیش از میزان واقعی آن وانمود می‌کند. در برخی از موارد، فردی از نظر اقتصادی فعال نامیده می‌شود که ساعتهای معینی را با دریافت و یا بدون دریافت دستمزد کار کند. در این حالت زنان به علت مشارکت نیمه وقت در کار کشاورزی به صورت نیروی غیر فعال اقتصادی برشمرده می‌شوند (۲، ۱۰).

راهبردهای بهبود جمع‌آوری اطلاعات

متخصصان راهبردها و روشهای بدیلی را برای جمع‌آوری اطلاعات به منظور در نظر گرفتن هر چه دقیقتر شرایط کاری زنان در تولیدات کشاورزی پیشنهاد کرده‌اند؛ برخی از این روشهای پیشنهادی، بویژه برای بهبود ارزشیابی مشارکت زنان در کشاورزی ارائه شده‌اند. در این راستا جمع‌آوری اطلاعات در بخش توسعه روستایی به طور معمول یکی از شیوه‌های متداول روش مصاحبه به شمار می‌آید که در تمام دنیا کاربرد دارد. بر همین اساس تعدادی از این

روشهای مصاحبه به شرح زیر فهرست و ارائه می گردند؛ همچنین یاد آور می شود که هر کدام از این روشها نیاز به بررسیهای بیشتری دارند:

- فعالیت اقتصادی
- کار کشاورزی
- فعالیت اصلی
- دوره مربوط به جمع آوری اطلاعات
- سرپرست خانوار

تحقیقات تخصیص زمان انجام کار

تحقیقات در زمینه تضمین زمان انجام کار در کشورهای در حال توسعه به منظور اندازه گیری میزان مشارکت تمام افراد خانواده (اعم از مرد یا زن، بچه ها و یا بزرگسالان) در انجام کارها، به شکل فزاینده ای مورد استفاده قرار می گیرد. با ارائه جزئیات اطلاعات در زمینه تقسیم زمان برای انجام دادن فعالیتها در درون یا بیرون از خانوار در طی سال، به طور اطمینان مطالعات زمان سنجی می توانند تصویر دقیقتری را از میزان مشارکت زنان و کودکان در کارها و فعالیتهای اقتصادی نشان دهند که در مطالعات آماری نیروی کار در دست نیست.

«افزون بر این تحلیل زمان سنجی می تواند تقسیم کار را بر حسب جنسیت در مناطق روستایی جوامع مختلف مشخص کند. به طور مثال زمان به کار گرفته شده در مزرعه و کار منزل از سوی مردان و زنان را می توان محاسبه کرد» (۱۰).

زنان روستایی در کشور ما افزون بر انجام کارهای خانه داری، پرورش کودکان، شستن لباسها، فراهم کردن غذا، پخت نان، جمع آوری هیزم برای سوخت، نزدیک به ۴۰ درصد از فعالیتهای کشاورزی، بخصوص فعالیتهای پس از تولید را نیز برعهده دارند (۳۳).

جدول شماره ۱ متوسط درصد سهم زنان روستایی را در کشور ایران در مراحل مختلف تولید محصولات کشاورزی و دامی نشان می دهد.

جدول شماره ۱. متوسط درصد سهم زنان روستایی در مراحل مختلف تولید محصولات کشاورزی و دامی در کشور ایران

نوع فعالیت	مراحل	متوسط درصد سهم زنان روستایی	ملاحظات
کشاورزی	پیش از کاشت	-	به دلیل ناقص بودن اطلاعات محاسبه نشدنی نیست
	کاشت	٪۲۲	با استفاده از درصدهای موجود در ۲۲ استان
	داشت	٪۲۵	با استفاده از درصدهای موجود در ۱۹ استان
	برداشت	٪۲۶/۴	با استفاده از درصدهای موجود در ۱۷ استان
دامداری	چرا	٪۲۳	با استفاده از درصدهای موجود در ۱۵ استان
	تعلیف	٪۴۱	با استفاده از درصدهای موجود در ۲۰ استان
	مراقبت از دام	٪۴۲	با استفاده از درصدهای موجود در ۱۹ استان
	شیردوشی	٪۸۶	با استفاده از درصدهای موجود در ۲۰ استان

مأخذ: شماره (۳۵)

همانگونه که از جدول شماره ۱۱ استنباط می شود؛ زنان روستایی کشور مادر تولیدات محصولات کشاورزی و دامی سهم بسزایی دارند، ولی درصد مشارکت زنان در تولیدات دامی (بویژه کار شیردوشی) بیشتر از مردان است. از سویی فعالیت زنان در صنایع دستی، قالیبافی، زیلو بافی، حصیربافی و دیگر صنایع روستایی بیشتر از فعالیت آنها در تولید محصولات غذایی بوده است و اغلب صنایع روستایی بین ۷۵ تا ۸۰ درصد از سوی زنان روستایی تولید می شود. (۳۵)

بررسیها و مطالعات انجام شده در کشور ایران نشان داده است که زنان در جوامع روستایی و عشایری در تولید و بویژه تولید اقتصادی و اجتماعی نقش کلیدی ایفا می کنند. از این رو سهم انکارناپذیری را نیز در اقتصاد کشاورزی دارند. بر همین اساس در برخی از مناطق حتی زنان ثابت ترین عضو خانوار روستایی به شمار می آیند و با مهاجرت مرد خانوار برای یافتن فرصتهای شغلی و با به دست گرفتن سرپرستی خانوار، ناگزیر به سازگاری بیشتری برای ادامه زندگی از راه کار طاقت فرسایند و به لحاظ دسترسی محدود آنها به فن آوری، اعتبار، زمین و دیگر موارد، از روشهای ابتدایی بهره گرفته و اغلب به نیروی کار خویش متکی اند. در بیشتر

این جوامع زنان روستایی در جریان فعالیتهای تولیدی در برابر انواع عوارض نامساعد محیطی قرار می‌گیرند که آثار منفی بر سلامت، بهبود زیست و کیفیت زندگی آنها خواهد گذاشت.

مهمترین عوارض سوء در سطح کشور را می‌توان در نشاء کاری، وجین و کودپاشی در شمال کشور و تهیه خشکبار در نقاط مختلف مشاهده کرد؛ همچنین به لحاظ سمپاشی درختان یسته و کار مداوم پوست کندن آن این مورد نیز از عوارض سوء برشمرده می‌شود در این راستا می‌توان به مواردی دیگر همچون نظافت اصطبل، انتقال فضولات، تیار دام، تغذیه دام، فراهم کردن مواد سوختی از فضولات دام که سبب انتقال بیماری مشترک انسان و دام می‌شود و سرانجام بافتن قالی با ساعتی کار طولانی در مکانهای تاریک و غیر بهداشتی، اشاره کرد (۳۶ - ص ۲۵۳ و ۲۵۴).

ترکیب جنسی نیروی کار کشاورزی ۸۲ کشور در حال توسعه نشان می‌دهد که در ۵۲ کشور زنان روستایی بیش از ۴۰ درصد کار کشاورزی را در مراحل مختلف تولید انجام می‌دهند. همچنین سهم مشارکت زنان در تولیدات کشاورزی در ۲۴ کشور بیش از ۵۰ درصد کار مزرعه در مراحل مختلف تولید بوده است. این ارقام بر حسب مناطق جغرافیایی برای درصد مشارکت زنان در تولیدات کشاورزی نشان می‌دهد که در مناطق نیمه صحرایی افریقا، زنان روستایی ۴۶ درصد، شمال افریقا و خاورمیانه ۳۱ درصد، آسیا ۴۵ درصد و نواحی کارائیب ۴۰ درصد از نیروی کار کشاورزی را تشکیل می‌دهند (۱۲).

تخمینهای به دست آمده از مطالعات انجام شده از مردم شناسان، جامعه شناسان و کارکنان ترویج کشاورزی نشان می‌دهد که زمان صرف شده به وسیله زنان روستایی در آفریقا در زمینه انواع مختلف فعالیتهای تولیدی بیشتر از مردان بوده است و آنها نزدیک به $\frac{2}{3}$ وقت خود را صرف کشاورزی سنتی و $\frac{3}{5}$ وقت را صرف بازاریابی و فروش محصولات کشاورزی می‌کنند (۲۹).

جدول شماره ۲. تقسیم کار کشاورزی برحسب جنسیت در قاره افریقا
(واحد/ درصد)*

نوع کار	مردان	زنان
قطع درختان جنگلی و تهیه پرچین مزرعه	۹۵	۵
شخم	۷۰	۳۰
بذریاشی	۵۰	۵۰
وجین	۳۰	۷۰
برداشت	۴۰	۶۰
حمل محصول	۲۰	۸۰
انبار کردن	۲۰	۸۰
فراوری محصول	۱۰	۹۰
فروش مازاد محصول	۴۰	۶۰
حمل مواد سوختی و آب	۱۰	۹۰
نگهداری حیوانات اهلی	۵۰	۵۰
شکار	۹۰	۱۰
تهیه غذا و سرپرستی کودکان	۵	۹۵

بر پایه جدول شماره ۲، زنان در مزارع کوچک صحرائ جنوبی افریقا نیروی اصلی کار مزرعه به شمار می آیند. مردان کارهای سنگین همچون آماده کردن زمین، هرس درختان و ایجاد پرچین مزرعه را انجام می دهند. همچنین زنان نسبت به انجام دادن اموری همچون، وجین، برداشت محصول، حمل محصول، انبار کردن و فراوری و فروش محصول، بیش از مردان فعالیت دارند و در کاربرد فن آوری نوین نیز از امکانات بسیار اندکی نسبت به مردان برخوردارند. هنگامی که فن آوری نوین برای کمک به مردان در مزرعه افزایش یابد (مانند وجود تراکتور در مزرعه)، این امر سبب بالا رفتن عملکرد کار مردان می شود به طوری که آنها می توانند زمین بیشتری را شخم بزنند، در نتیجه حجم کار زنان برای انجام دادن عملیات وجین، برداشت و فراوری محصول

* Source: UN, Hand book on women in Africa, ECA, 1975

ارزشیابی کار زنان ...

افزایش می‌یابد و در این زمان است که نسبت درصد کار زنان نسبت به مردان به صورتی ناعادلانه تغییر پیدا می‌کند (۱۳، ۲۳، ۲۸، ۲۹، ۳۰).

تقسیم کار در جریان تولید محصول براساس جنسیت در کشور سودان نشان می‌دهد که زنان درصد چشمگیری از کار کشاورزی را برعهده دارند. زنان روستایی در این کشور ۵۸ درصد کار تسطیح مزارع و بریدن درختان، ۴۰ درصد کار شخم، ۵۳ درصد کار بذرآفشانی و کاشت، ۵۲ درصد کار وچین، ۵۴ درصد کار درو، ۴۳ درصد کار انبار کردن، ۲۷ درصد کار حمل و نقل و فروش در بازار، ۶۰ درصد کار نگهداری محصول و ۵۸ درصد کار خرمنکوبی را انجام می‌دهند، در حالی که درآمد آنها تنها نزدیک به $\frac{1}{4}$ درآمد مردان است (۳۴).

نقش چند جانبه زنان روستایی در فعالیتهای و مسئولیتهای خانوادگی و کشاورزی بدان معناست که روز کاری آنها به طور معمول طولانی است. بررسیهای انجام شده، کار روزانه زنان روستایی کشورهای در حال توسعه را برحسب معمول بین ۱۵ تا ۱۶ ساعت نشان می‌دهد. این مدت، در اوج فصلهای فعالیتهایی مانند درو کاری یا برداشت، بسیار دراز مدت تر است (۳۴ - ص ۶۱).

جدول شماره ۳ میزان درصد مشارکت کار افراد خانوار را برحسب جنسیت در تولید محصولات مهم زراعی در چند کشور افریقایی نشان می‌دهد. ارقام جدول پیشگفته نشاندهنده این واقعیت است که در هر جامعه‌ای زنان در تولید محصولات غذایی مسئولیت بیشتری دارند تا تولید محصولات تجارقی، اگرچه در تولید هر دو نوع محصول مشارکت می‌کنند (۶).

زنان در قاره آسیا بیشتر، نیروی کار مزارع برنج را فراهم می‌کنند. در یک مطالعه دقیق در کشور نپال مشخص شد که زنان ۶۶ درصد کار کشت برنج، ۷۵ درصد وچین و تمام کارهای مربوط به پاک کردن و انبارداری برنج را انجام می‌دهند. همچنین ۶۶ درصد کار تولید گندم، ۹۴ درصد کار تولید ذرت و ۸۵ درصد کار تولید دانه‌های روغنی به عهده زنان است. بر همین اساس زنان در کشور نپال مؤثرترین عضو خانوار در انتخاب بذر و استفاده از کودهای شیمیایی به شمار می‌آیند و ۴۲ درصد تصمیمگیری برای تولیدات کشاورزی نیز از سوی آنها گرفته شود.

جدول شماره ۳. درصد مشارکت در تولید محصولات کشاورزی برحسب جنسیت و سن در چند کشور آفریقایی

نام کشور	نوع محصول	زنان	مردان	کودکان
سوازیلند	ذرت محلی	۵۵*	۳۱	۹/۲
	ذرت هیبرید	۴۹	۳۶	۷
	ذرت علوفه‌ای	۸۸*	۹	۱
	حبوبات	۴۰*	۴	۲
	تنباکو	۳۵	۴	۸
مالاوی	ذرت	۵۴	۲۵	۲۱**
	پنبه	۴۷	۴۶	۸
	تنباکو	۴۷	۴۰	۱۳
رواندا	محصولات غذه‌ای	۸۰	۲۰	-***
	قهوه	۷۰	۳۰	-
سری لانکا	برنج مناطق مرتفع	۵۵	۴۵	-***
	برنج مناطق پست	۴۰	۶۰	-
	قهوه	۲۰	۸۰	-
	کاکائو	۲۰	۸۰	-
زئیر	محصولات غذه‌ای	۶۲	۹	۲۹

مأخذ شماره (۶)

* افراد بالای ۶۴ سال، کارگران فصلی و محلی در جدول منظور

نشده‌اند

** کارگران فصلی در نظر گرفته شده‌اند.

*** ارقام جداگانه برای کودکان گزارش نشده‌است.

در یک مطالعه روستایی در پاکستان گزارش شد که ۵۰ درصد زنان در کار تولید گندم دخالت دارند و بیش از ۸۵ درصد آنها در خرمنکوبی و ۹۵ درصد نیز در پاک کردن گندم مشارکت می‌کنند.

ارزشیابی کار زنان ...

هیچنین زنان در خاور نزدیک و آمریکای لاتین، در تولید محصولات غذایی (البته نه به اندازه زنان در آفریقا و آسیا) فعال به شمار می آیند. برای نمونه تخمینها نشان می دهد که در دو کشور پرو و شیلی میزان مشارکت زنان روستایی در تولیدات کشاورزی به ترتیب ۲۱ درصد و ۱۰/۴ درصد است. در این راستا یکی از مطالعات نیز نشان می دهد؛ به سبب اینکه پسران امکان بیشتری برای مدرسه رفتن دارند بنابراین دختران بیش از پسران در کار کشاورزی مشارکت می کنند. بر همین اساس دختران ۱۰-۱۴ ساله به میزان ۲۲ درصد در کار تولید محصولات کشاورزی مشارکت دارند، در حالی که سهم پسران در کار تولیدات زراعی در همان سنین تنها ۶/۸ است (۳، ۸).

هدف از تحقیقات زمان سنجی

هدف از تحقیقات زمان سنجی، اندازه گیری میزان واقعی مشارکت اعضای خانوار در هر نوع فعالیت است. این کار محاسبه فعالیتهایی را که هر کدام از اعضای خانوار در آن مشارکت دارند و زمانی که برای انجام هر نوع کار صرف می کنند، در بر می گیرد. در این راستا میزان پراکنش زمان صرف شده برای هر کار به صورت روزانه، هفتگی و فصلی تعیین می شود (۷، ۱۰). هدف اصلی مطالعات زمان سنجی به دست آوردن توصیف کاملی از فعالیتهای انجام شده از سوی افراد خانوار در زمانی معین است. در این شیوه جمع آوری اطلاعات، هیچگونه پیش شرطی در زمینه فعالیت اقتصادی و غیراقتصادی وجود ندارد. انگیزه این رهیافت چنین است که، هر گونه فعالیت انجام گرفته به وسیله انسان، به زمان نیاز دارد که قابل اندازه گیری و ثبت است (۳۱).

افراد باید تصمیم بگیرند که وقت خود را چگونه صرف کنند و تصمیماتشان نیز نشاندهنده طیفی از امکانات و موانع موجود بر سر راه آنهاست.

با فراهم کردن اطلاعات دقیق از زمان به کار گرفته شده از سوی زنان و مردان در کارهای مزرعه و خانوار، مطالعات زمان سنجی می توانند جهتیابی پژوهشهای آینده را نشان

داده و در نتیجه میزان منابع لازم برای طراحیها و برنامه‌ریزیهای آینده را در سطح ملی و محلی مشخص کنند. برای نمونه مطالعات زمان‌سنجی که در مناطق روستایی به اجرا در می‌آید ممکن است برای مروجان کشاورزی در ارزیابی نیازهای آموزشی زنان روستایی سودمند واقع شود. در حقیقت با مشخص شدن زمان به کار گرفته شده از سوی زنان در مزرعه می‌توان فن‌آوری مناسب کار زنان را نوآوری و معرفی کرد تا بتوان از کار پرمشقت آنها در مزرعه کاست. مطالعات زمان‌سنجی همچنین می‌تواند در بهبود فعالیتهایی همچون برنامه‌های رادیویی و سوادآموزی کمک کند. از سویی برنامه‌ریزان می‌توانند با استفاده از مطالعات زمان‌سنجی به میزان اشتغال و یا بیکاری پنهان افراد پی برده و از این راه نسبت به فراهم ساختن راهبردهایی برای بهبود شرایط کار مولدان کشاورزی اعم از مردان و زنان اقدام کنند.

جدول شماره ۴ مقایسه زمان انجام کار فعالیتهای روستایی را برحسب جنسیت در منطقه زیمتنگا بورکینافاسو نشان می‌دهد. در این جدول تقسیم کار برحسب جنسیت در زمینه‌های تولیدات محصولات کشاورزی، کارخانه‌داری و اوقات فراغت به روشنی نشان داده شده است. اگرچه همان‌طور که دیکسون و مولر (۱۰) اشاره کردند، همچنان مشکلاتی بدین شرح بر سر راه است:

۱. در این جدول تعداد نمونه‌ها و تعداد مشاهدات برای هر فرد مشخص نشده است. بنابراین مشخص نیست که این اطلاعات براساس تعداد محدودی مشاهده برای تعداد فراوانی از افراد بوده و یا براساس مشاهدات زیاد برای تعداد اندکی از افراد است.
۲. میزان تغییرات در افراد نمونه مشخص نیست. اگر انحراف معیار و یا ضریب متغیر برای هر فعالیت مشخص بود، این اطلاعات به شیوه بهتری تفسیر می‌شد.
۳. هیچگونه اطلاعاتی برپایه اینکه برخی از افراد فعالیت را انجام می‌دهند و برخی دیگر آن فعالیت را انجام نمی‌دهند در جدول وجود ندارد. در این حالت میانگینهای ارائه شده تا حدودی گمراه‌کننده اند.
۴. میانگینهای ارائه شده بدون بیان فصل کاری ارائه شده‌اند. برای نمونه زمان صرف

ارزشیابی کار زنان ...

شده از سوی زنان در برداشت محصول، ۳۹ دقیقه در روز بیان شده است، که به نظر می‌رسد در زمان برداشت محصول، این زمان بیشتر باشد.

بنابراین بهتر بود به جای خلاصه کردن تمام اطلاعات در یک جدول، برای هر فعالیت و در هر فصل جدول جداگانه‌ای با ارائه توزیع فراوانی هر نوع فعالیت در سال بیان می‌شد.

روش دیگر ارائه اطلاعات می‌تواند برحسب درصد مشارکت اعضای خانوار در هر فعالیت باشد. جدول شماره ۵ در منطقه کاجامارکا کشور پرو (Cajamarca, Peru) نشان می‌دهد که تهیه غذا، فراوری مواد غذایی و پرورش حیوانات اهلی از مسئولیتهای اصلی زنان و تولید محصولات کشاورزی از مسئولیتهای اصلی مردان به شمار می‌رود.

جدول شماره ۶ نیز در مناطق روستایی لاگونا کشور فیلیپین فراهم شده است و نشان‌دهنده میانگین زمان انجام کار فعالیتهای کشاورزی، خانه‌داری و اوقات فراغت خانوار برحسب ساعت در روز است. تعداد نمونه آماری ۹۹ نفر بوده و میانگین تعداد فرزندان در هر خانوار نیز ۴ نفر است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جدول شماره ۴. مقایسه زمان انجام فعالیتهای روستایی برحسب جنسیت در منطقه

زیمتگا بورکینافاسو در سال ۱۹۷۹

میانگین زمان صرف شده (برحسب دقیقه-فرد-روز) الف*		نوع فعالیت
مرد	زن	
۲۰۲	۳۶۷	- تولید، تهیه، توزیع
۱۸۶	۱۷۸	۱. غذا و محصولات نقدی
۴	۶۹	بذرپاشی
۱۰۸	۳۵	وجین، کاشت
۳۹	۶	برداشت
۱۹	۳۰	رفت و آمد میان مزارع
۲	۴	جمع آوری گیاهان وحشی
۴۷	۱	تولید محصولات جنبی
۱	۴	۲. انبارداری محصولات
۱۰	۱۳۲	۳. فراوری محصولات غذایی
۰	۱۰۸	آسیاب کردن، خرد کردن دانه
۰	۸	باد دادن، پاک کردن
۰	۴	کوبیدن و سایر فعالیتهای فراوری محصول
۳	۴	۴. پرورش حیوانات اهلی
۰	۴	۵. بازاریابی
۰	۱	۶. دم کردن
۰	۳۸	۷. تهیه آب آشامیدنی
۲	۶	۸. جمع آوری هیزم
۱۵۶	۴۵	- صنایع دستی
۱۱۱	۰	۱. حصیربافی
۰	۲	۲. نخریسی پنبه
۱۰	۲	۳. خیاطی
۰	۴۱	۴. مامایی

ادامه جدول شماره ۴

میانگین زمان صرف شده (برحسب دقیقه-فرد-روز)		نوع فعالیت
مرد	زن	
۳۵	۰	۵. دیگر صنایع دستی مانند فلزکاری سفالگری، خیاطی
۹۱	۲۷	- فعالیتهای اجتماعی
۰	۲۷	۱. طرحهای محلی
۹۱	۰	۲. فعالیتهای دیگر
۴	۱۴۸	- خانه‌داری
۰	۱۸	۱. پرورش و نگهداری کودکان
۱	۱۳۰	۲. آشپزی-نظافت و شستشو
۰	۰	۳. بنایی
۳	۰	۴. تعمیرات ساختمان
۲۶۹	۱۵۸	- نیازهای شخصی
۲۳۳	۱۱۷	۱. خواب و استراحت
۲۹	۲۱	۲. غذا خوردن
۷	۲۰	۳. بهداشت شخصی
۱۱۸	۷۷	- اوقات فراغت
۶	۲	۱. عبادت
۴	۱۷	۲. فعالیتهای آموزشی و شرکت در کلاسهای یونسکو- سوادآموزی
۶۹	۱۴	۳. ارتباطات جمعی مانند رادیو و مطالعه کتاب
۶۹	۱۴	۵. صحبت کردن با دیگران
۶	۱	۶. خرید مواد غذایی و بردن پیغام
۰	۱۸	- زمان پیش‌بینی نشده (ب)***
۴۵۳	۵۸۷	کل زمان انجام کار
۲۸۷	۲۳۵	کل زمان نیازهای شخصی و اوقات فراغت

* الف. براساس زمان محاسبه شده به کمک مشاهده مستقیم

** ب. هنگامی که مدت زمان مشاهده از ۱۴ ساعت کمتر بوده است

منبع:

MC sweeney (1979, P.381)

جدول شماره ۵. درصد پراکنش فراوانی فعالیتهای زنان، مردان و کودکان برحسب فعالیت اصلی آنان

نوع فعالیت	فعالیت اصلی مادر	فعالیت اصلی پدر	فعالیت اصلی کودکان	مسئولیت تمام اعضای خانوار* الف	کل فعالیت
آشپزی (n = ۱۰۵)	۹۳/۴	-	۲/۸	۳/۸	۱۰۰/-
شستن لباس (n = ۱۰۵)	۹۳/۳	-	۴/۸	۱/۹	۱۰۰/-
جمع آوری هیزم (n = ۱۰۵)	۵۸/۱	۱۶/۲	۹/۵	۱۶/۲	۱۰۰/-
حمل آب (n = ۱۰۵)	۷۸/۳	۱/۸	۱۰/۳	۹/۶	۱۰۰/-
فراوری محصولات (n = ۱۰۵)	۹۳/۴	-	۱/۹	۴/۷	۱۰۰/-
پرورش دامها n = ۹۲	۶۱/۹	۴/۴	۲۲/۹	۱۰/۸	۱۰۰/-
تولید محصولات کشاورزی (n = ۱۰۲)	۵/۷	۶۴/۵	۷/۶	۲۲/۲	۱۰۰/-
صنایع دستی (n = ۱۰۱)	۶۶/۷	۱۸/۴	۱۱/۵	۳/۴	۱۰۰/-
خرید و فروش محصولات (n = ۲۸) ب**	۸۵/۷	۱۰/۷	-	۳/۶	۱۰۰/-
کارگر نیمه وقت (n = ۵۱)	۹/۸	۴۷/۱	۱۷/۷	۲۵/۵	۱۰۰/-
کارگر تمام وقت (n = ۲۳)	۱۳/-	۴۳/۵	۳۰/۴	۱۳/-	۱۰۰/-

* الف. در طبقه بندی مسئولیتها «مسئولیت تمام اعضای خانوار» شامل مواردی می شود که پدر و مادر در مسئولیت انجام کار مشارکت دارند و دیگر اعضای خانواده نیز در انجام کار مسئول اند و همچنین والدین و فرزندان در انجام کار دارای مسئولیتی مساوی هستند.

** ب. خرید و فروش محصولات، در برگیرنده فعالیت حرفه ای، یعنی فروش محصولات از راه فروشگاهها نمی شود.

جدول شماره ۶. زمان مصرف شده از سوی اعضای خانوار کشاورز مناطق روستایی لاگونا، فیلیپین (میانگین ساعت در روز)

نوع فعالیت	پدر	مادر	کودکان*
- تولید نقدی:			
کار برای دستمزد	۱/۹۱	۰/۵۶	۱/۱۷
کار حرفه ای کشاورزی	۰/۳۵	۰/۱۴	۰/۱۱
خرید و فروش محصولات کشاورزی	۰/۴۵	۰/۴۴	۰/۵۰
فعالیت پیش از برداشت محصول	۱/۳۲	۰/۲۸	۱/۱۰

ادامه جدول شماره ۶

نوع فعالیت	پدر	مادر	کودکان*
فعالیت پس از برداشت محصول	۰/۵۸	۰/۲۷	۰/۵۴
تولید نارگیل	۰/۵۴	۰/۱۶	۰/۶۲
تولید نیشکر	۰/۰۲	۰	۰/۰۲
تولید سبزیجات	۰/۱۵	۰/۱۱	۰/۲۴
تولید سبزیجات خانگی	۰/۰۷	۰/۰۳	۰/۰۵
پرورش حیوانات اهلی	۰/۷۰	۰/۲۸	۰/۵۷
صنایع دستی	۰/۰۲	۰/۱۳	۰/۰۵
بازاریابی	۰/۰۸	۰/۰۵	۰/۰۵
ماهگیری	۰/۲۵	۰/۰۱	۰/۲۲
تعمیرات	۰/۱۶	۰/۰۳	۰/۰۲
مسافرت	۰/۲۵	۰/۰۸	۰/۱۸
شکار	۰	۰	۰/۱۲
دیگر فعالیتها	۰	۰	۰
جمع کل	۶/۸۵	۲/۵۷	۵/۵۶
- تولیدات خانگی:			
آشپزی	۰/۴۱	۲/۰۶	۰/۸۴
تغذیه نوزاد با شیرمادر	-	۰/۳۶	-
تغذیه نوزاد با شیشه شیر	۰/۰۱	۰/۰۱	۰/۰۱
نگهداری بچه‌ها	۰/۲۸	۱/۶۹	۰/۴۴
بازاریابی و مسافرت	۰/۱۰	۰/۳۹	۰/۳۱
خرید کردن	۰/۱۳	۰/۰۷	۰/۲۰
کارهای جزئی منزل	۰/۲۲	۲/۷۶	۱/۷۱
قصه‌گویی	۰/۰۱	۰/۰۳	۰/۰۷
مواظبت از افراد مسن و بیمار	۰/۰۰۴	۰/۰۴	۰
مدرسه و یا کلاس	۰/۰۴	۰/۴	۹/۷۷
جمع	۱/۳۰	۷/۴۲	۱۳/۵۵

ادامه جدول شماره ۶

نوع فعالیت	پدر	مادر	کودکان*
- اوقات فراغت:			
خواب	۷/۸۹	۸/۶۴	۳۴/۶۳
غذا خوردن	۰/۵۹	۰/۶۷	۲/۸۵
بازی با بچه‌ها	۰/۰۲	۰/۰۴	۰/۴۵
تفریح غیرفعال	۴/۲۲	۳/۷۷	۱۲/۷۷
تفریح فعال	۰/۰۱	۰	۱/۳۹
بیماری	۰/۰۸	۰/۱۰	۰/۳۴
فعالیت‌های مذهبی	۰/۰۲	۰/۰۹	۰/۱۹
شرکت در جشنواره	۰/۷۷	۰/۶۰	۱/۹۹
خدمات اجتماعی	۰/۰۷	۰/۰۸	۰/۲۴
دیگر فعالیتها	۰	۰	۰
جمع کل	۱۳/۶۷	۱۳/۹۹	۵۴/۸۵

* میانگین تعداد بچه‌ها در هر خانوار ۴ فرزند است. تعداد نمونه آماری ۹۹ = n

منبع King, E. and Evenson, R. (1983, P.37)

منبع

خلاصه و نتیجه گیری

اطلاعات اندک در دسترس درباره میزان کار زنان در کشاورزی، بیشتر دست‌اندرکاران را بر آن داشته است تا شیوه مناسب برای روشهای جمع‌آوری اطلاعات در خور اعتماد را در زمینه ارزشیابی واقعی مشارکت زنان در توسعه اقتصادی و اجتماعی به زیر پرش ببرند. در کنفرانس جهانی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۷۵، جامعه بین‌المللی، نیاز به توسعه ابزار آمارگیری شرایط و نیازهای زنان را در دستور کار قرار داد، در نتیجه بهبود روشهای جمع‌آوری اطلاعات زنان روستایی به گونه‌ای که بتوان میزان مشارکت آنها را در تولیدات کشاورزی ارزشیابی کرد، در اولویت قرار داده شد.

به رغم پیشرفتهایی که در این زمینه انجام گرفته است، دست کم گرفتن میزان مشارکت

ارزشیابی کار زنان ...

اقتصادی زنان در جامعه و بخصوص در کار کشاورزی مشکلی به شمار می‌آیند که تاکنون حل نشده باقی مانده است. مفهوم غالب از کار، که به عنوان تولید ارزش افزوده استنباط می‌شود، برای ارزیابی مشخصات کار زنان بسنده نیست، بخصوص در مناطق روستایی که جداساختن تقسیم کار خانوار و فعالیتهای تولیدی به حالتی دقیق، مشکل است.

معیارهای اخیر توسعه اقتصادی همچون درآمد ناخالص ملی (G.N.P) و درآمد ناخالص محلی (G.D.P) و مفاهیم به کار گرفته شده از نیروی کار هر کشور (مانند تعریف کار کشاورزی) براساس مفهوم کار به عنوان تولید کالا برای بازار فروش در نظر گرفته شده است. در نتیجه کار معیشتی و محلی را که در واقع کار اصلی زنان در کشورهای در حال توسعه به شمار می‌آید، نادیده می‌گیرند. تعریف جامعتری که سازمان خواروبار و کشاورزی جهانی از کار کشاورزی ارائه داده است اینگونه تفاوتها را در بر می‌گیرد. افزون بر این کار زنان روستایی زمانی می‌تواند بهتر ارزیابی شود که :

- تولید معیشتی و کار بدون دستمزد در طبقه‌بندی فعالیتهای اقتصادی گنجانده شود.

- مصاحبه‌کنندگان افزون بر فعالیتهای اصلی و فرعی هرکدام از مولدان، از فعالیتهای روزمره و معمولی آنها نیز پرسش کنند.

- در زمان جمع‌آوری اطلاعات، از فعالیتهای فصلی که به طور معمول زنان با آن درگیرند پرسش شود.

- اطلاعات در هنگامی که کار زنان از نظر فصلی به حداکثر می‌رسد جمع‌آوری شود.

- هیچگونه محدودیتی برای به شمار آوردن حداقل زمان لازم به عنوان فعالیت شغلی وجود نداشته باشد.

- برای مصاحبه با زنان روستایی از پرسشگران زن نیز استفاده شود.

- زنان به طور مستقیم مصاحبه شوند.

آمارهای کشاورزی و جمعیتی منابع مهمی را از اطلاعات سودمند برای برنامه‌ریزان و پژوهشگران، در برمی‌گیرند. اگرچه این نوع گزارشها تنها توصیفی‌اند، ولی مبنایی برای توسعه تجزیه و تحلیل‌های ژرف و دقیق به شمار می‌آیند. مواردی همچون سطح بیکاری پنهان که نیاز به توجه بیشتری دارند، همچنین فعالیتهایی که دارای سهم بیشتری در تشکیل نیروی کارند، می‌توانند در سطح ملی و محلی شناسایی شوند. بر همین اساس روابط میان متغیرهایی مانند اندازه واحد تولیدی، تقسیم کار در خانوار، تعداد کارگران کشاورزی، نوع فعالیتها، دسترسی به نهاده‌های تولید، نوع مالکیت زمین، نوع تجهیزات کشاورزی و روابط علت و معمولی میان متغیرها می‌توانند مورد مطالعه قرار گیرند.

مطالعات تخصیص زمان کار می‌تواند رهیافت سودمندی برای شناسایی نوع کار جمعیت زنان در مناطق روستایی در سطح محلی باشد، هنگامی که تمامی فعالیتهای اعضای خانوار ثبت می‌شود. اطلاعات جامعی در زمینه تقسیم کار خانوار برحسب جنسیت به دست می‌آید. افزون بر این مطالعات زمانسنجی، بویژه برای شناسایی انواع مختلف کار بدون دستمزد زنان، سودمنداست. همچنین از این راه موانع عمده افزایش تولیدات کشاورزی شناسایی خواهد شد. تعیین کردن فعالیتهایی که بیشترین زمان را در درون و بیرون خانوار به خود اختصاص می‌دهد، مبنایی را برای طراحی پروژه‌هایی که جوابگوی نیازهای خاص جمعیت به شمار می‌آیند فراهم می‌کند.

شایان گفتن است که به منظور تهیه کردن اطلاعات جامع در هر منطقه باید از هر دو نوع اطلاعات آماری و مطالعات زمانسنجی همراه با مطالعات تکنگاری (اتنوگرافی) و یا اطلاعات کیفی دیگری همچون تحلیل تاریخی استفاده کرد؛ از این راه امکان درک تقسیم کار بر حسب جنسیت، تصمیمگیری و کار زنان روستایی نیز با تمام اهمیتی که در بردارد فراهم می‌شود.

1. Acharya, S.(1987), Women and rural development in the third world.Bombay : Tata Institute of Social Science.
2. Aguiar, N. (1984). Umguia exploratorio para a Compreensao do trabalho Femenino. (An exploratory guide for the comprehension of women's work). in N, Aguiar (coord) Mulheres na forca de trabalho na America latina: Analises qualitativas. petropolis: vozes.
3. Baeza, Ximena Aranda , " El diptico campesina - asalariada agricola" in Magdalena leon (ed), last trabajadoras del agro Asociaci3n Colombiana para el estudio de la poblacion. Bogota Colombia, 1982.
4. Baster, N. (1981). The measurment of womens participation in development : The use of eensus data. (Discussion paper 159). Brighton: University of Sussex.
5. Charlton, S.E. (1984). Women in third world development. Boulder, co: Westview Press.
6. Clark, Barbara, " The work done by rural women in Malawi" , *East Africa journal of Rural development*, vol. 8 (Jan - Feb. 1975).
7. Deere , C.D and M.leon d leal (1979). Measuring rural womens work and class position. in S.Zeidenstein (Ed.) learning about rural women , special issue of studies in family planning, 10 (11/12).
8. Deere, C.D. and M.leon, " Production campesina, proletarizaciony la divison sexual del tarbajo en la zona Andian". In M. leon las trabajadoras del agro, Asociacion Colombiana para el estudio de la poblacion , Bogota, Colombia 1982.

9. Deere, C.D. (1983). The allocation of familial labor and the formation of peasant household income in the Peruvian sierra. In M.Buvinic , M.A. Lycette, & W.P. Mc Greevey (Eds.) Women and poverty in thitd world. Baltimore: John Hopkins University press.
10. Dixon - Mueller, R, (1985). Womens work in third world agriculture: concepts and indicators. Geneva: International labor office.
11. Dixon - mueller, R.(1991). Women in agriculture: counting labor force in developing countries. In M.M. Fonow and J.A. Cook (Eds.). Beyond methodology: feminist scholarship as lived research. Blomington, IN: Indiana University.
12. Dixon. Ruth, "Women in agriculture, Counting the labor force in developing countries", Population and Development Review, 8:3,(sept. 1982).
13. Fresco, louise, et.al. Le milieu rural development au kwilu: resume dune etude, Republic du Zaire, Department di l agriculture et development rural, FAO, 1981.
14. Humphrey Institute of public Affairs (1984). Looking to the future: Equal partnership between women and men in the 21 st. century. Minneapolis: University of Minnesota.
15. King, E, and R.E. Evenson, (1983). Time allocation and home production in Philippine rural households. In M.Buvinic, M.A. lycette, and W.P.Mc Greevey (Eds.). Women and poverty in the third world. Baltimore: John Hopkins University press.
16. Leon de leal, M. and C.D. Deere, (1984). proletarizacade o trabalho agricol na economica parcelaria : Estudio da divison do trabaхло por sexo em

duas regioes Colomboanas. In N. Aguiar (Coord). Mulheres na Forca de trabalho na America latina: Analises qualitativas. Petropolis: editoria vozes.

17. Lewenhak, s. (1988). The revaluation of wonens work. London, Newyork, Sydney: Crom Helm.

18. Louffi, M.F. (1982). Rural women: unequal partners in development. Geneva: International labor office.

19. Massiah, J.(1990). Defining women's work in the commonwealth Caribbean. In I. Tinker (Ed.), persisting inequalities: women and world development. Newyork: oxford University press.

20. MC sweeney, B.G. (1979). Collection and analysis of data on rural women's time use. In S. Zeidenstein (Ed.), Learning about rural women, Special issue of studies in Family planning. 10 (11/12).

21. Mies, M. (1988). Social origins of the social division of labor. In M. Mies, V. Bennholdt thomson, and claudia von werlhof (Eds), women: The last colony. London: Zed Books.

22. Newland, K. (1980). Women, men, and the divison of labor. Washington, D.C. World watch Institute.

23. RDA Monitoring and Evaluation unit, Farm management survey. Report No. 7, Ministry of Agriculture, Mb abane, Swaziland, 1982.

24. Recchini de lattes, Z. and C. wainerman, (1986). Unreliable account of women's work : Evidence from latin America census statistics. Signs: *Journal of women in culture and society*, 2 (4).

25. Rogers, B. (1979). The dimestication of women. Newyork: st. martins press.

26. shaw Bill, C. (1978). Women and work: An economic appriaisal. In A.H. stromberg and S.H. Harkess (Eds.) women working: Theories and facts in perspective. Palo Alto CA: May Field Publishing Company.
 27. Sajogyo. pudjwati, et. al., The role of women in different perspectives, Bogor, Indonesia, 1980.
 28. Spencer, Dunstan, S.C. African women in Agricultural Development: A case study in sierra leone, ole paper No. 9. oversesa liaison Committee, American Council, 1976.
 29. UN, Handbook on women in Africa, ECA, 1975.
 30. UNDP, Rural women's participation in Development, Newyork, 1980.
 31. Wainerman, C. and Recchini de lattes, Z (1981). El trabajo Femenino en trabalho Femenino. (An exploratory guide for the comprehension of women's work). In N. Aguiar (Coord.) Mulheres na forca de trabalho na America Lantina: Analises qualitativas. petropolis: vozes.
 32. Waring, M. (1988). If women counted: A new feminist economies. NewYork: Harper Collins.
۳۳. خبرنامه زنان روستایی فروردین ۱۳۷۴ شماره (۱).
۳۴. صالح‌نسب، غلامحسین (۱۳۷۴). زنان در توسعه کشاورزی، برنامه کارفانو، انتشارات معاونت ترویج و مشارکت مردمی جهادسازندگی.
۳۵. محبوبی، محمدرضا (۱۳۷۲). چشم‌اندازی از نقش زنان روستایی در تولید و موانع و مشکلات آنان. هفتمین سمینار ترویج کشاورزی کشور.
۳۶. ورزگر، شراره و نسرین آقاچان نوری، : تابستان (۱۳۷۶). نقش زنان در فرایند توسعه. مجموعه مقالات توسعه پایدار کشاورزی، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه. (۴)